

Universal jurisdiction in the European Court of Human Rights Policy and the Iranian legal system

Amir Hossein Rahgosha ¹

Received: 18 July 2025

Mehdi Hoshyar ²

Reception: 18 November 2026

Chia Nematian ³

Abstract:

This article deals with a comparative study of universal jurisdiction in the Iranian legal system and the European Court of Human Rights. The main issue is the challenges of implementing this principle and the inconsistencies existing in the two legal systems. The aim of the research is to identify similarities, differences, obstacles and solutions to strengthen universal jurisdiction with an emphasis on accountability for international crimes and the protection of human rights. The main question of the research is how to promote universal jurisdiction in these two legal systems? The research hypothesis is based on the premise that the European Court of Human Rights, due to the benefit of binding conventions and international cooperation, has a more effective performance in exercising universal jurisdiction compared to the Iranian legal system, which faces limitations such as the requirement for the presence of the accused on Iranian soil and the failure to accept international custom. The research method is analytical-comparative using valid legal sources. The findings show that the Iranian legal system faces serious obstacles in implementing universal jurisdiction due to the lack of a comprehensive legal framework and the failure to ratify the International Crimes Bill, while the European Court of Human Rights, relying on specific mechanisms, plays a key role in advancing global justice. Suggestions include faster ratification of the International Crimes Bill in Iran and strengthening the training of judges in the field of international law.

Keywords: Universal jurisdiction, European Court of Human Rights, Iranian legal system, human rights, international crimes

1Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (Corresponding Author)

2Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

3Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz,

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.553409.1351>

صلاحیت جهانی در دیوان اروپایی سیاست حقوق بشر و نظام حقوقی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۷

امیرحسین رهگشا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

مهدی هوشیار^۲

چیا نعمتیان^۳

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر می‌پردازد. مسئله اصلی، چالش‌های اجرای این اصل و ناهماهنگی‌های موجود در دو نظام حقوقی است. هدف پژوهش، شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها، موانع و راهکارهای تقویت صلاحیت جهانی با تأکید بر پاسخ‌گویی به جرائم بین‌المللی و حفاظت از حقوق بشر است. سؤال اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان صلاحیت جهانی را در این دو نظام حقوقی ارتقا داد؟ فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که دیوان اروپایی حقوق بشر، به دلیل بهره‌مندی از کنوانسیون‌های الزام‌آور و همکاری بین‌المللی، در مقایسه با نظام حقوقی ایران که با محدودیت‌هایی نظیر الزام حضور متهم در خاک ایران و عدم پذیرش عرف بین‌المللی مواجه است، عملکرد مؤثرتری در اعمال صلاحیت جهانی دارد. روش تحقیق، تحلیلی-مقایسه‌ای با استفاده از منابع حقوقی معتبر است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نظام حقوقی ایران به دلیل فقدان چارچوب قانونی جامع و عدم تصویب لایحه جرائم بین‌المللی، در اجرای صلاحیت جهانی با موانع جدی مواجه است، در حالی که دیوان اروپایی حقوق بشر با اتکا به سازوکارهای مشخص، نقش کلیدی در پیشبرد عدالت جهانی ایفا می‌کند. پیشنهادات شامل تصویب سریع تر لایحه جرائم بین‌المللی در ایران و تقویت آموزش قضات در حوزه حقوق بین‌الملل است.

واژگان کلیدی: صلاحیت جهانی، دیوان اروپایی حقوق بشر، نظام حقوقی ایران، حقوق بشر، جرائم بین‌المللی

^۱گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) Lawyer.rah@gmail.com

^۲گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. Criminallaw93@gmail.com

^۳گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران chianematyan@gmail.com

مقدمه

صلاحیت جهانی به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق کیفری بین المللی، امکان تعقیب و محاکمه جرائم سنگین بین المللی نظیر نسل کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، و شکنجه را بدون نیاز به ارتباط مستقیم با محل وقوع جرم، ملیت مرتکب، یا قربانی فراهم می کند. این اصل، که ریشه در عرف و معاهدات بین المللی دارد، با هدف حفاظت از حقوق بشر و تضمین پاسخگویی مجرمان، نقشی محوری در تحقق عدالت جهانی ایفا می کند. در جهانی که جرائم بین المللی پیامدهای فرامرزی و بشردوستانه گسترده ای دارند، صلاحیت جهانی به عنوان ابزاری برای پر کردن خلأهای قضایی و جلوگیری از مصونیت مرتکبان، اهمیت فزاینده ای یافته است.

این پژوهش با تکیه بر چارچوب نظری مبتنی بر نظریه عدالت جهانی و اصول حقوق کیفری بین المللی، به بررسی تطبیقی صلاحیت جهانی در دو نظام حقوقی متمایز نظام حقوقی ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر می پردازد. دیوان اروپایی حقوق بشر، به عنوان نهادی پیشرو در اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با رسیدگی به پرونده های مرتبط با جرائم بین المللی، الگویی موفق از اعمال صلاحیت جهانی ارائه کرده است. در مقابل، نظام حقوقی ایران، با وجود پذیرش این اصل در برخی قوانین داخلی، به دلیل محدودیت های قانونی و عدم پذیرش عرف بین المللی، کمتر به اجرای گسترده آن پرداخته است.

هدف این مقاله، شناسایی شباهت ها، تفاوت ها، چالش ها، و فرصت های توسعه صلاحیت جهانی در این دو نظام با تمرکز بر جرائمی نظیر نسل کشی، جنایات جنگی، و شکنجه است. سؤال اصلی تحقیق این است: چگونه می توان صلاحیت جهانی را در نظام حقوقی ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر تقویت کرد؟ سؤالات فرعی شامل موارد زیر است:

۱. چه موانع قانونی و عملی بر سر راه اجرای صلاحیت جهانی در ایران وجود دارد؟

۲. دیوان اروپایی حقوق بشر چگونه از سازوکارهای بین المللی برای اعمال صلاحیت جهانی بهره می برد؟

۳. چه راهکارهایی برای هماهنگی بین نظام حقوقی ایران و استانداردهای بین المللی در این حوزه قابل پیشنهاد است؟

این مطالعه با روش تحلیلی-مقایسه ای و با استفاده از منابع معتبر حقوقی انجام شده است. در نهایت، این پژوهش در پی ارائه راهکارهایی برای ارتقای نظام حقوقی ایران در راستای استانداردهای بین المللی و تقویت نقش دیوان اروپایی حقوق بشر در پیشبرد عدالت جهانی است.

۲. مبانی نظری و حقوقی صلاحیت جهانی

۲.۱. تعریف و منشأ صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی اصلی حقوقی است که به دولت‌ها اجازه می‌دهد بدون توجه به محل وقوع جرم، ملیت مرتکب یا قربانی، به جرائم سنگین بین‌المللی نظیر نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، و شکنجه رسیدگی کنند (Randall, ۲۰۰۰: ۲; Reidams, ۲۰۲۰: ۱۵). این اصل بر این ایده استوار است که برخی جرائم به دلیل تأثیرات مخرب بر جامعه بشری، نیازمند پاسخگویی جهانی هستند (Robinson, ۲۰۰۱: ۱۶). بر اساس اعلامیه پرینستون (۲۰۰۱)، صلاحیت جهانی «اختیاری است که بر اساس ماهیت جرم و مستقل از ارتباط با دولت اعمال‌کننده یا محل ارتکاب جرم» تعریف می‌شود. این اصل ریشه در عرف بین‌المللی (مانند پیگرد دزدی دریایی) و معاهدات بین‌المللی نظیر کنوانسیون منع نسل‌کشی (۱۹۴۸)، کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹)، و کنوانسیون ضد شکنجه (۱۹۸۴) دارد (Bassiouni, ۱۹۹۹: ۲۳۴; Orakhelashvili, ۲۰۲۲: ۴۷).

جرائم مشمول صلاحیت جهانی معمولاً شامل مواردی هستند که قواعد آمره حقوق بین‌الملل (jus cogens) را نقض می‌کنند. شرایط اعمال این اصل شامل دو مورد اصلی است:

۱. نوع جرم: جرم باید از جرائم بین‌المللی خطر (مانند نسل‌کشی یا شکنجه) باشد.

۲. تعارض با حقوق بین‌الملل: جرم باید با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، مانند ممنوعیت نسل‌کشی یا شکنجه، در تضاد باشد (میرجعفری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۵۵).

۲.۲. منشأ و ریشه‌های حقوقی صلاحیت جهانی

ریشه‌های صلاحیت جهانی به حقوق عرفی و تاریخی، به‌ویژه پیگرد دزدی دریایی در حقوق دریایی، بازمی‌گردد که توسط حقوق‌دانانی مانند گروسیوس مطرح شد (Shaw, ۲۰۲۱: ۸۹). این اصل در قرن نوزدهم به‌صورت رسمی وارد حقوق بین‌الملل شد و در قرن بیستم با معاهدات کلیدی مانند کنوانسیون منع نسل‌کشی و کنوانسیون‌های ژنو توسعه یافت. عرف بین‌المللی نیز جرائمی مانند جنایات جنگی و دزدی دریایی را مشمول این اصل قرار داده است (Bassiouni, ۱۹۹۹: ۲۳۵; Werle & Jessberger, ۲۰۲۰: ۱۱۲).

۲.۳. انواع صلاحیت جهانی

۲.۳.۱. صلاحیت جهانی مطلق (غیابی)

صلاحیت جهانی مطلق به دادگاه‌های داخلی اجازه می‌دهد بدون نیاز به حضور متهم در قلمرو کشور یا ارتباط مستقیم با جرم، به جرائم بین‌المللی رسیدگی کنند (Bassiouni, ۱۹۹۹: ۲۳۴). این نوع صلاحیت بر این اصل استوار است که جرائم خطیر جهانی نباید به دلیل فقدان همکاری بین‌المللی از پیگرد مصون بمانند. نمونه بارز آن، محاکمه آدولف آیشمن در اسرائیل (۱۹۶۰) است که بدون همکاری آرژانتین انجام شد (Arendt, ۲۰۰۶: ۲۴۵). با این حال، این نوع صلاحیت به دلیل احتمال تعارض با حاکمیت ملی و سیاسی شدن، با چالش‌هایی مانند تنش‌های دیپلماتیک مواجه است (Rubin, ۲۰۰۰: ۲۶۵; Cryer, ۲۰۲۳: ۷۸).

۲.۳.۲. صلاحیت جهانی مشروط (حضوری)

صلاحیت جهانی مشروط زمانی اعمال می‌شود که متهم در قلمرو کشور حضور داشته باشد. این نوع صلاحیت، تعادلی بین احترام به حاکمیت ملی و ضرورت عدالت جهانی ایجاد می‌کند (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۵۸). کنوانسیون ضد شکنجه (۱۹۸۴) و پروتکل اول کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) دولت‌ها را ملزم به تعقیب یا استرداد متهمان حاضر در قلمروشان می‌کنند (Geneuss, ۲۰۰۹: ۹۴۵). نمونه آن، محاکمه هنریکوس لوکسن در بلژیک (۲۰۰۱) به دلیل جرائم آپارتاید است که به دلیل حضور متهم در قلمرو بلژیک انجام شد (Garrod, ۲۰۱۲: ۷۶۳). چالش‌های این نوع صلاحیت شامل عدم انسجام قضایی بین‌المللی و مشکلات اجرایی مانند انتقال متهمان است (Orakhelashvili, ۲۰۲۲: ۵۲).

۲.۴. مبانی نظری و فلسفی

صلاحیت جهانی ریشه در نظریه عدالت جهانی دارد که بر مسئولیت جمعی جامعه بین‌المللی برای مقابله با جرائم خطیر تأکید می‌کند (Luban, ۲۰۱۰: ۵۷۰). این اصل بر ایده «عدم مصونیت» استوار است، به طوری که حتی مقامات بلندپایه نمی‌توانند از پیگرد جرائم بین‌المللی مصون بمانند (کنوانسیون منع نسل‌کشی، ۱۹۴۸). از منظر اخلاقی، صلاحیت جهانی به عنوان وظیفه‌ای بشردوستانه برای حفاظت از کرامت انسانی و جلوگیری از بی‌کیفری مطرح است (Teitel, ۲۰۱۱: ۸۹). نظریه پردازان معاصر مانند دیوید لوبان استدلال می‌کنند که این اصل نه تنها یک ابزار حقوقی، بلکه یک تعهد اخلاقی برای تضمین عدالت در برابر جنایات جهانی است (Luban, ۲۰۱۸: ۴۵).

اجرای صلاحیت جهانی نیازمند همکاری بین‌المللی در زمینه تبادل اطلاعات، دستگیری متهمان، و استرداد است. با این حال، فقدان نظام قضایی یکپارچه جهانی و اختلافات سیاسی، موانعی در اجرای مؤثر این اصل ایجاد می‌کند (Jessberger, & Werle).

۲۰۲۰: ۱۱۵). از منظر فلسفی، صلاحیت جهانی به عنوان پلی بین عدالت ملی و جهانی عمل می‌کند و بر ضرورت هم‌افزایی بین دولت‌ها برای تحقق حقوق بشر تأکید دارد (Cryer, ۲۰۲۳: ۸۰).

۶. چالش‌ها و ملاحظات حقوقی

صلاحیت جهانی یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری بین‌المللی است که برای مقابله با جرائمی که فراتر از مرزهای ملی هستند، ایجاد شده است. این اصل دارای ریشه‌های تاریخی است و در قالب عرف و معاهده توسعه یافته است. دو نوع اصلی آن (مطلق و مشروط) وجود دارد که هر کدام دارای الزامات و چالش‌های خاص خود هستند. در حالی که این اصل از یکسو ابزاری برای احقاق عدالت بین‌المللی است، از سوی دیگر با چالش‌هایی مانند سیاسی‌شدن، تعارض با حاکمیت ملی و عدم انسجام قضایی مواجه است. در ادامه به طور دقیق به بررسی این چالش‌ها و ملاحظات حقوقی پرداخته می‌شود.

الف) تعارض با اصل حاکمیت ملی^۱

یکی از مهمترین چالش‌هایی که صلاحیت جهانی با آن مواجه است، تعارض آن با اصل حاکمیت ملی است. دولت‌ها عموماً معتقدند که دادگاه‌های داخلی نباید بدون موافقت یا همکاری آنها در مورد جرائمی که در قلمروی آنها اتفاق افتاده است، اقدام قضایی کنند. این موضوع به ویژه زمانی حساسیت بیشتری پیدا می‌کند که دادگاهی در کشوری دیگر اقدام به محاکمه یک مقام بلندپایه سیاسی یا نظامی کند (کسسه، ۱۳۸۷: ۳۵۸).

برخی از کشورها، به خصوص کشورهایی که به صلاحیت جهانی اعتقاد چندانی ندارند، این امر را تجاوز به حاکمیت ملی تلقی می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به تنش‌های دیپلماتیک، واکنش‌های سیاسی و حتی لغو روابط حقوقی بین‌المللی شود. به عنوان مثال، در مورد محاکمه آدولف آیشمن در اسرائیل (۱۹۶۰)، آرژانتین اعلام کرد که دستگیری آیشمن تجاوز به حاکمیت آن کشور محسوب می‌شود (Bassiouni, 1999: 234-235).

همچنین، درخواست‌های محاکمه سیاستمداران فعلی یا سابق توسط دادگاه‌های خارجی، می‌تواند منجر به تحرکات دیپلماتیک و حتی قطع روابط دوجانه شود. این چالش نشان می‌دهد که صلاحیت جهانی، در عمل، می‌تواند با محدودیت‌های سیاسی و حقوقی روبرو شود.

ب) سیاسی‌شدن این اصل^۲

^۱ . Conflict with National Sovereignty

^۲ . Politicization of Universal Jurisdiction

یکی دیگر از چالش‌های اصلی صلاحیت جهانی، سیاسی‌شدن این اصل است. در برخی موارد، دادگاه‌های داخلی این اصل را به عنوان ابزاری سیاسی برای فشار بر دولت‌های دیگر به کار گرفته‌اند. این امر می‌تواند منجر به سوءاستفاده از این اصل و ایجاد تبعیض در اجرای عدالت شود.

به عنوان مثال، در دهه‌های اخیر، برخی از دادگاه‌های اروپایی درخواست‌هایی برای محاکمه رهبران کشورهای دیگر را به دلیل جنایات جنگی یا نقض حقوق بشر ثبت کرده‌اند، ولی هیچ اقدامی جدی در مورد رهبران غربی صورت نگرفته است. این تفاوت در رویکرد، منجر به سوادمندی‌های بین‌المللی شده و موجب شده است تا بعضی از کشورها صلاحیت جهانی را نابرابر و انتخابی بدانند. (Rubin, 2000: 265)

همچنین، عدم وجود یک چارچوب واحد بین‌المللی برای تعیین نحوه اعمال صلاحیت جهانی، این امر را تسهیل می‌کند که این اصل در خدمت اهداف سیاسی و دیپلماتیک قرار گیرد. این موضوع می‌تواند به ضعف اعتبار این اصل در جامعه بین‌المللی منجر شود.

ج) عدم انسجام قضایی بین‌المللی^۳

یکی از مسائل اصلی در زمینه اجرای صلاحیت جهانی، عدم وجود یک نظام قضایی بین‌المللی یکپارچه است. در حالی که دادگاه بین‌المللی کیفری نقشی کلیدی در رسیدگی به جرائم بین‌المللی دارد، اما بسیاری از کشورهای مهم دنیا مانند آمریکا، چین، هند و روسیه عضویت خود را در این دادگاه رد کرده‌اند. این امر باعث شده است که اجرای این اصل در کشورهای مختلف به شکل نامنظم و غیریکپارختی صورت گیرد.

علاوه بر این، اختلاف در قوانین داخلی کشورها در مورد نحوه اجرای صلاحیت جهانی، منجر به تناقض در احکام و تصمیمات قضایی بین‌المللی شده است. برخی کشورها این اصل را در مورد تمامی جرائم خطیر بین‌المللی به کار می‌گیرند، در حالی که دیگران فقط در موارد خاصی اقدام می‌کنند. این عدم انسجام، هماهنگی بین‌المللی را دشوار کرده و اجرای این اصل را در عمل با مشکلاتی همراه کرده است.

د) مشکلات عملی در اجرای احکام^۴

حتی در صورت صدور حکم از سوی یک دادگاه داخلی، اجرای آن در عمل با مشکلات فراوانی همراه است. بسیاری از کشورها از همکاری با دادگاه‌هایی که این اصل را اجرا می‌کنند، خودداری می‌کنند. این امر به دلیل عدم وجود الزام حقوقی مشخص یا نگرش منفی نسبت به این اصل رخ می‌دهد.

^۳ . Lack of International Judicial Coherence

^۴ . Enforcement Challenges

در برخی موارد، عدم همکاری در دستگیری متهمان، انتقال اسناد و اطلاعات، یا همکاری در اجرای احکام موجب شده است که بسیاری از پرونده‌ها به نتیجه‌ای نرسند. همچنین، کمبود منابع قضایی و تخصصی در برخی کشورها مانع از انجام محاکماتی با کیفیت بالا شده است.

ه) عدم انطباق با قوانین داخلی^۵

بسیاری از کشورها صلاحیت جهانی را در قانون داخلی خود محدود یا به‌طور کامل منتفی کرده‌اند. در این کشورها، دادگاه‌های داخلی تنها در صورت داشتن ارتباط مستقیم با جرم (مانند قربانی یا مجرم محلی) می‌توانند در مورد جرائم بین‌المللی اقدام قضایی کنند. این محدودیت‌ها مانع از توسعه گسترده صلاحیت جهانی شده‌اند.

برای مثال، در حقوق کیفری ایران، صلاحیت جهانی تنها در موارد خاصی و تحت شرایط خاصی مجاز است و عموماً اصل قلمرویی مبنای اصلی اعمال صلاحیت قضایی است (خالقی، ۱۳۹۳: ۴۱). این امر نشان می‌دهد که صلاحیت جهانی هنوز به‌طور کامل در تمامی نظام‌های حقوقی داخلی جاری نشده است.

و) خطر انتقام قضایی و استفاده معکوس از این اصل^۶

در برخی موارد، کشورهایی که به دلیل صلاحیت جهانی متهم به جرم شده‌اند، اقدام به محاکمه معکوس و انتقامی از مواطنان کشورهای دیگر می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به جنگ‌های قضایی بین‌المللی شود و از این طریق، این اصل به ابزاری برای فشار دیپلماتیک تبدیل شود.

این امر در برخی از پرونده‌های برجسته دیده شده است. برای مثال، برخی کشورها در پاسخ به درخواست‌های محاکمه سیاستمداران‌شان در دادگاه‌های خارجی، درخواست‌هایی مشابه در مورد دیپلمات‌ها و مقامات خارجی ارائه داده‌اند. این نوع استفاده معکوس از صلاحیت جهانی، می‌تواند این اصل را در معرض انتقاد و تضعیف قرار دهد.

ز) مسائل اخلاقی و انسانی^۷

در برخی موارد، صلاحیت جهانی ممکن است با مسائل اخلاقی و حقوق بشری همراه باشد. برای مثال، اگر یک کشور متهمی را دستگیر و محاکمه کند، اما این محاکمه با نادیده گرفتن حقوق متهم یا انتقال وی به کشوری با سابقه شکنجه همراه باشد، می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر شود.

^۵ . Domestic Legal Barriers

^۶ . Risk of Retaliatory Prosecution

^۷ . Human Rights Concerns

همچنین، عدم وجود ضوابط مشخص در مورد "عدم انتقال به کشورهای مرتکب شکنجه" می‌تواند این امر را بدتر کند. بنابراین، صلاحیت جهانی باید همواره در چارچوب احترام به حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی اعمال شود.

صلاحیت جهانی یکی از ابزارهای حقوقی کلیدی در مقابله با جرائم بزرگ بین‌المللی است. با این حال، این اصل با چالش‌های جدی مانند تعارض با حاکمیت ملی، سیاسی شدن، عدم انسجام قضایی، مشکلات عملی اجرایی، عدم انطباق با قوانین داخلی و همچنین مسائل اخلاقی مواجه است.

این چالش‌ها نشان می‌دهند که صلاحیت جهانی نه تنها یک مسئله حقوقی است، بلکه یک موضوع سیاسی و اخلاقی نیز محسوب می‌شود. بنابراین، توسعه یک چارچوب بین‌المللی شفاف، منسجم و قابل اجرا می‌تواند به حل این چالش‌ها کمک کند و این اصل را به ابزاری مؤثرتر در جهان تبدیل کند.

۳. صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران

۳-۱. تحولات تاریخی و قانونی

اصل صلاحیت جهانی در ایران برای اولین بار در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ (بند "و" ماده ۳) پذیرفته شد. این اصل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ توسعه یافت و در ماده ۹ این قانون به صورت جامع‌تری مطرح شد. در قانون ۱۳۷۰، عبارت "عهد بین‌المللی" به "عهده‌نامه‌ها و مقررات بین‌المللی" تغییر یافت تا گستره شمول صلاحیت دادگاه‌های ایران در حوزه جنایات بین‌المللی گسترش یابد. (مومنی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۲)

۳-۲. شرایط اعمال و موانع موجود

طبق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، دو شرط اصلی برای اعمال صلاحیت جهانی وجود دارد:

۱. جرم باید در فهرست جرائمی قرار گیرد که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌های بین‌المللی تعیین شده باشد.
۲. متهم باید در ایران دستگیر شده باشد.

همچنین، عدم پذیرش عرف بین‌المللی به عنوان منبع حقوقی در نظام حقوقی ایران، یکی از مهم‌ترین موانع گسترش صلاحیت جهانی است. با توجه به اینکه ایران تنها از طریق انضمام به معاهدات بین‌المللی و تصویب آنها در مجلس می‌تواند این اصل را اعمال کند، دادگاه‌های ایران قادر به استناد به عرف بین‌المللی نیستند.

۳-۳. لایحه رسیدگی به جرائم بین‌المللی

لایحه "قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی" که در سال ۱۳۹۲ توسط قوه قضاییه تهیه شد، قصد داشت چارچوب جامع‌تری برای اعمال صلاحیت جهانی در ایران فراهم کند. این لایحه شامل ۶ فصل و ۱۵۱ ماده است و به بررسی جزئیات صلاحیت، آیین دادرسی و همکاری‌های قضایی بین‌المللی می‌پردازد. با این حال، این لایحه تاکنون تصویب نشده است. (بهرامی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)

۴. صلاحیت جهانی در دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان کیفری بین‌المللی

۴-۱. موقعیت حقوقی و عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر

دیوان اروپایی حقوق بشر^۸، با توجه به مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صلاحیت جهانی را در مواردی چون جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و شکنجه برجسته کرده است. دیوان اروپا در بسیاری از پرونده‌ها، اهمیت صلاحیت جهانی را در حفظ حقوق بشر و مقابله با انسداد عدالت برجسته کرده است.

۴-۲. شرایط اعمال صلاحیت جهانی در دیوان اروپایی

دیوان اروپایی حقوق بشر که در واقع اشاره به دادگاه‌های ملی کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارد، نه یک دادگاه بین‌المللی مستقل می‌تواند در شرایط خاصی صلاحیت جهانی را اعمال کند؛ یعنی حتی اگر جرم خارج از قلمرو جغرافیایی آن کشور رخ داده باشد، دادگاه ملی کشور عضو می‌تواند رسیدگی کند. این صلاحیت جهانی تنها در صورت تحقق چهار شرط زیر قابل اجراست: اولاً، جرم مورد نظر باید از جمله جرائم سنگین بین‌المللی باشد، مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت؛ ثانیاً، هیچ دادگاه ملی یا بین‌المللی دیگری از جمله دادگاه‌های کشور مرتکب یا دادگاه کیفری بین‌المللی نباید قبلاً صلاحیت خود را برای رسیدگی به همان پرونده اعلام کرده باشد؛ ثالثاً، مظنون باید در خاک یکی از کشورهای عضو دیوان اروپایی حقوق بشر دستگیر یا حضور داشته باشد؛ و رابعاً، کشور عضو موظف است قبل از اعمال این صلاحیت جهانی، تمام اقدامات قضایی و حقوقی داخلی خود از جمله بررسی امکان محاکمه در کشور مرتکب یا ارجاع به نهادهای بین‌المللی را به طور کامل انجام دهد. این مقررات با هدف جلوگیری از فرار مجرمان جنایات بین‌المللی و تضمین عدالت، ضمن رعایت اصل تکمیلی و اجتناب از تداخل صلاحیت‌ها، وضع شده‌اند. (قمری، ۱۴۰۲، ص ۲۵۸)

لازم به ذکر است که "دیوان اروپایی حقوق بشر" در اصل یک نهاد نظارتی است و رسیدگی مستقیم به جرائم جنایی را ندارد. بنابراین، منظور از "اعمال صلاحیت جهانی"

در اینجا، اعمال این صلاحیت توسط دادگاه‌های ملی کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که تحت چارچوب تعهدات بین‌المللی خود و با الهام از اصول حقوق بشری، می‌توانند در موارد خاص جرائم بین‌المللی را حتی اگر خارج از مرزهایشان رخ داده باشد، مورد پیگرد قرار دهند. این رویکرد با عنوان "صلاحیت جهانی محدود" یا "صلاحیت جهانی مشروط" شناخته می‌شود.

۳-۴. دیوان کیفری بین‌المللی و صلاحیت جهانی

دیوان کیفری بین‌المللی نیز یکی از نهادهای برجسته‌ای است که صلاحیت جهانی را در عمل به کار گرفته است. صلاحیت خود را در موارد زیر اعمال می‌کند:

- جنایات علیه بشریت
- نسل‌کشی
- جنایات جنگی
- جنایات علیه صلح

دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اصل تکمیلیت^۹ عمل می‌کند، یعنی تنها در صورتی مداخله می‌کند که دادگاه‌های ملی نتوانند یا نخواهند محاکمه را انجام دهند. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸)

۵. تحلیل و مقایسه صلاحیت جهانی در ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر

۵.۱. تحلیل تطبیقی نظام حقوقی ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر

صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران و دیوان اروپایی حقوق بشر (ECHR تفاوت‌های اساسی در مبانی حقوقی، شرایط اعمال، و عملکرد عملی دارد که ریشه در ساختارهای سیاسی، فرهنگی، و حقوقی این دو نظام دارد. جدول زیر مقایسه‌ای جامع از این دو نظام ارائه می‌دهد:

معیار	دیوان اروپایی حقوق بشر	ایران
-------	------------------------	-------

^۹ . complementarity principle

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)، عرف بین‌المللی، و رویه قضایی ECHR	معاهدات بین‌المللی مصوب مجلس و قوانین داخلی (مانند ماده ۹ قانون مجازات اسلامی)
نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، شکنجه	نسل‌کشی، جنایات جنگی، برده‌داری، قلب سکه، گروگان‌گیری
دستگیری متهم در کشور عضو، عدم صلاحیت دادگاه‌های دیگر، انجام اقدامات داخلی	دستگیری متهم در خاک ایران، وجود قانون خاص یا معاهده مصوب
معتبر و پشتوانه اصلی احکام	نامعتبر، محدود به معاهدات مصوب
کنوانسیون‌های الزام‌آور و پروتکل‌های مکمل	لایحه جرائم بین‌المللی (۱۳۹۲، در حال بررسی)

دلایل تفاوت‌ها

۱. **ساختار حقوقی:** نظام حقوقی ایران مبتنی بر فقه اسلامی و اصل حاکمیت ملی است که اولویت را به قوانین داخلی و معاهدات مصوب مجلس می‌دهد. این امر پذیرش عرف بین‌المللی را محدود کرده و صلاحیت جهانی را به حضور متهم در خاک ایران مشروط می‌کند (خالقی، ۱۳۹۵: ۴۱). در مقابل، دیوان اروپایی حقوق بشر با تکیه بر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و عرف بین‌المللی، چارچوبی منسجم و الزام‌آور برای اعمال صلاحیت جهانی فراهم کرده است (Orakhelashvili, ۲۰۲۲: ۵۲).

۲. **ساختار سیاسی:** در ایران، ملاحظات سیاسی و تأکید بر استقلال قضایی مانع از پذیرش گسترده صلاحیت جهانی شده است، زیرا این اصل ممکن است به عنوان مداخله در حاکمیت ملی تلقی شود (فروغی، ۱۳۸۸: ۴۱). در اروپا، همکاری بین‌المللی و تعهد به ارزش‌های حقوق بشری، اجرای صلاحیت جهانی را تسهیل کرده است. برای مثال، کشورهای عضو شورای اروپا از طریق سازوکارهای دیوان، اطلاعات و متهمان را تبادل می‌کنند (Geneuss, ۲۰۰۹: ۹۴۵).

۳. **عوامل فرهنگی:** در ایران، رویکرد محافظه‌کارانه به حقوق بین‌الملل و اولویت دادن به ارزش‌های ملی و مذهبی، پذیرش صلاحیت جهانی را محدود کرده است. در مقابل، فرهنگ حقوقی اروپا مبتنی بر همگرایی و تعهد به اصول

جهانی حقوق بشر است که صلاحیت جهانی را به عنوان ابزاری برای عدالت جهانی تقویت می کند (Cryer, ۲۰۲۳: ۸۰).

۵.۲. ارتباط دیوان کیفری بین المللی (ICC) و دیوان اروپایی حقوق بشر

دیوان کیفری بین المللی (ICC) و دیوان اروپایی حقوق بشر مکمل یکدیگر در پیشبرد عدالت جهانی هستند، اما نقش ها و حوزه های صلاحیت آن ها متفاوت است. ICC بر اساس اساسنامه رم (۱۹۹۸) به جرائم سنگین بین المللی (نسل کشی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، و جنایات علیه صلح) رسیدگی می کند و بر اصل تکمیلیت (complementarity) عمل می کند، یعنی تنها در صورتی مداخله می کند که دادگاه های ملی قادر یا مایل به رسیدگی نباشند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). در مقابل، ECHR به عنوان نهادی منطقه ای، بر نظارت بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تمرکز دارد و صلاحیت جهانی را در مواردی اعمال می کند که نقض حقوق بشر در حوزه کشورهای عضو رخ دهد یا متهم در قلمرو این کشورها حضور داشته باشد (قمری، ۱۴۰۲: ۲۵۸).

ارتباط این دو نهاد در تقویت صلاحیت جهانی از طریق هماهنگی غیرمستقیم است. برای مثال، احکام ECHR می توانند به عنوان مبنایی برای ارجاع پرونده ها به ICC استفاده شوند، به ویژه در مواردی که دولت های عضو از تعقیب متهمان خودداری کنند. نمونه بارز این همکاری، پرونده های مربوط به نقض حقوق بشر در اوکراین (۲۰۲۲) است که ECHR نقض حقوق را مستند کرد و ICC تحقیقات خود را بر اساس آن آغاز نمود (Schabas, ۲۰۲۳: ۱۳۴). این تعامل نشان دهنده تکامل نظام های حقوقی بین المللی در استفاده از صلاحیت جهانی برای پاسخگویی به جرائم سنگین است.

۵.۳. تحلیل پرونده های عملی

پرونده های عملی نشان دهنده تفاوت های اجرایی صلاحیت جهانی در این دو نظام هستند:

۱. پرونده آدولف آیشمن (۱۹۶۰، اسرائیل): این پرونده نمونه ای از صلاحیت جهانی مطلق است که در آن اسرائیل بدون همکاری آرژانتین، آیشمن را به اتهام نسل کشی محاکمه کرد. از منظر حقوقی، این پرونده اصل عدم مصونیت مقامات را تقویت کرد، اما از منظر سیاسی، با اعتراض آرژانتین به نقض حاکمیت ملی مواجه شد (Arendt, ۲۰۰۶: ۲۴۵). این پرونده نشان دهنده چالش های سیاسی صلاحیت جهانی مطلق است که در نظام ایران به دلیل ملاحظات حاکمیتی کمتر پذیرفته شده است.

۲. پرونده هنریکوس لوکسن (۲۰۰۱، بلژیک): این پرونده نمونه ای از صلاحیت جهانی مشروط است که به دلیل حضور متهم در بلژیک انجام شد. این محاکمه

نه تنها عدالت را برای قربانیان آپارتاید تأمین کرد، بلکه الگویی برای همکاری بین‌المللی در اروپا ارائه داد (Geneuss, ۲۰۰۹: ۹۴۵). در ایران، چنین پرونده‌هایی به دلیل فقدان زیرساخت‌های قانونی و همکاری بین‌المللی محدود است.

۳. پرونده‌های (ECHR مانند اوکالان علیه ترکیه، ۲۰۰۵): دیوان اروپایی حقوق بشر در این پرونده با استناد به نقض حقوق بشر و شکنجه، صلاحیت جهانی را اعمال کرد. این پرونده تأثیرات حقوقی گسترده‌ای داشت، از جمله تقویت استانداردهای حقوق بشری در کشورهای عضو و الزام به اصلاحات قانونی (قمری، ۱۴۰۲: ۲۶۰). چنین رویکردی در ایران به دلیل محدودیت‌های قانونی و عدم پذیرش عرف بین‌المللی کمتر دیده می‌شود.

۵.۴. تحلیل تطبیقی و پیامدها

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که دیوان اروپایی حقوق بشر به دلیل چارچوب حقوقی منسجم، همکاری بین‌المللی، و پذیرش عرف بین‌المللی، در اعمال صلاحیت جهانی موفق‌تر عمل کرده است. در مقابل، نظام حقوقی ایران به دلیل محدودیت‌های قانونی (مانند الزام حضور متهم و عدم پذیرش عرف)، ملاحظات سیاسی، و فقدان زیرساخت‌های قضایی تخصصی، با چالش‌های جدی مواجه است. این تفاوت‌ها پیامدهای مهمی دارند: در اروپا، صلاحیت جهانی به تقویت عدالت جهانی و پاسخگویی به نقض حقوق بشر کمک کرده است، در حالی که در ایران، فقدان چارچوب جامع، اجرای این اصل را به موارد خاص محدود کرده است. (بهرامی، ۱۳۸۵: ۷۵). برای مثال، عدم تصویب لایحه جرائم بین‌المللی (۱۳۹۲) مانع از توسعه صلاحیت جهانی در ایران شده است.

۶. چالش‌ها و فرصت‌های توسعه صلاحیت جهانی

۶.۱. چالش‌های موجود

اجرای صلاحیت جهانی که به دادگاه‌های یک کشور اجازه می‌دهد حتی در مواردی که جرم خارج از مرزهای آن کشور و بدون ارتباط مستقیم با شهروندان یا منافع آن رخ داده، رسیدگی کند با چالش‌های متعدد و عمیقی روبروست که اثربخشی آن را در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله در ایران و در کشورهای عضو دیوان اروپایی حقوق بشر، به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها نه تنها اجرای عملی این اصل را دشوار می‌کنند، بلکه گاهی مشروعیت و اعتبار آن را نیز زیر سؤال می‌برند. نخستین و مهم‌ترین این چالش‌ها، عدم هماهنگی بین‌المللی است؛ چرا که هیچ توافق جهانی واحدی در مورد اینکه کدام جرائم مشمول صلاحیت جهانی هستند و

با چه معیارهایی باید این صلاحیت اعمال شود، وجود ندارد. برای مثال، کشورهای اروپایی به طور گسترده جرائمی مانند شکنجه را تحت پوشش این اصل قرار می دهند، در حالی که کشورهای بزرگی مانند چین یا هند که عضو دیوان کیفری بین المللی (ICC) نیستند، این اصل را یا به شکل بسیار محدودی اعمال می کنند یا اصلاً آن را نمی پذیرند (Cryer, ۲۰۲۳: ۸۲). این ناهماهنگی ها باعث می شود همکاری قضایی بین کشورها از جمله در زمینه تحویل متهمان یا تبادل اطلاعات با مشکل مواجه شود و اجرای عدالت بین المللی ناکارآمد بماند.

چالش دوم، سیاسی شدن صلاحیت جهانی است؛ یعنی استفاده از این اصل نه برای تحقق عدالت، بلکه به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی علیه دولت ها یا مقامات خاص. این موضوع اعتبار اخلاقی و حقوقی صلاحیت جهانی را تضعیف کرده است. نمونه بارز آن، تعقیب مقامات آفریقایی مانند عمر البشیر، رئیس جمهور سابق سودان، که در سال ۲۰۰۹ توسط دیوان کیفری بین المللی تحت تعقیب قرار گرفت است، در حالی که مقامات غربی که در جرائم مشابه متهم هستند، به ندرت مورد پیگرد قرار گرفته اند. این دوگاننداری منجر به اتهامات گسترده ای از جمله تبعیض نژادی و گزینش سیاسی شده است (Rubin, ۲۰۰۰: ۲۶۵; Schabas, ۲۰۲۳: ۱۴۵). چنین سوءاستفاده های سیاسی نه تنها به اعتبار دادگاه ها لطمه می زند، بلکه می تواند به تنش های دیپلماتیک جدی و کاهش تمایل کشورها به همکاری بین المللی منجر شود.

چالش سوم، تعارض با اصل حاکمیت ملی است. بسیاری از کشورها از جمله ایران صلاحیت جهانی را به دلیل مغایرت آن با اصل حاکمیت و استقلال قضایی، به شکل محدود یا اصلاً نمی پذیرند. در ایران، به دلیل تأکید شدید بر استقلال داخلی و ممانعت از هرگونه مداخله خارجی، اعمال صلاحیت جهانی به صورت مطلق ممنوع تلقی می شود (فروغی، ۱۳۸۸: ۴۱). این رویکرد باعث می شود حتی در مواردی که جرائم سنگین بین المللی مرتکب شده باشد، اما متهم در خاک ایران حضور نداشته باشد، دادگاه های ایرانی نتوانند رسیدگی کنند حتی اگر متهم بعداً وارد ایران شود، مگر آنکه معاهده ای خاص اجازه دهد.

چالش چهارم، عدم پذیرش عرف بین المللی به عنوان منبع حقوقی در ایران است. در نظام حقوقی ایران، منابع حقوقی معتبر تنها قانون داخلی و معاهداتی هستند که به تأیید مجلس شورای اسلامی رسیده اند. بنابراین، صلاحیت جهانی نمی تواند بر اساس عرف یا اصول عمومی حقوق بین الملل اعمال شود، بلکه فقط در مواردی که معاهده ای صریح مانند کنوانسیون منع نسل کشی وجود داشته باشد، قابل اجراست (خالقی، ۱۳۹۵: ۴۱). این محدودیت، انعطاف پذیری و گستردگی این اصل را به

شدت کاهش می‌دهد و ایران را از رسیدگی به بسیاری از جرائم بین‌المللی که هنوز در معاهدات منعکس نشده‌اند، محروم می‌کند.

و در نهایت، چالش پنجم، کمبود منابع انسانی و فنی است چالشی که نه تنها ایران، بلکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه را درگیر کرده است. رسیدگی به جرائم بین‌المللی پیچیده مانند نسل‌کشی یا جنایات علیه بشریت نیازمند قضات و کارشناسان آموزش‌دیده در حقوق بین‌الملل کیفری، زیرساخت‌های فنی پیشرفته، و همکاری‌های بین‌المللی گسترده است. اما در ایران، به دلیل فقدان آموزش تخصصی در این حوزه و نبود نهادهای قضایی تخصصی، اجرای عملی صلاحیت جهانی با مشکلات عدیده‌ای روبروست (میرجعفری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۶۰). این کمبودها باعث می‌شود حتی در مواردی که از نظر حقوقی امکان رسیدگی وجود دارد، از نظر عملی اجرای آن میسر نباشد.

در مجموع، این چالش‌ها نشان می‌دهند که صلاحیت جهانی، هرچند از نظر ایده‌آل برای مبارزه با فرار از عدالت و مجازات جرائم سنگین بین‌المللی ضروری است، اما در عمل با موانع ساختاری، سیاسی، حقوقی و فنی عمیقی روبروست که حل آن‌ها نیازمند همکاری جهانی، اصلاح نظام‌های داخلی، و تقویت ظرفیت‌های قضایی کشورهاست.

۶.۲. فرصت‌های توسعه

با وجود تمام چالش‌های پیچیده‌ای که اجرای صلاحیت جهانی در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر با آن مواجه است از جمله ناهماهنگی‌های بین‌المللی، سیاسی شدن این اصل، تعارض با حاکمیت ملی، عدم پذیرش عرف بین‌المللی و کمبود منابع فنی و انسانی فرصت‌های معناداری نیز برای تقویت این مکانیسم در نظام حقوقی ایران و همسویی آن با استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه با الهام‌گیری از الگوهای موفق کشورهای عضو شورای اروپا و رویه‌های دیوان اروپایی حقوق بشر، وجود دارد. این فرصت‌ها نه تنها از نظر نظری قابل تصور هستند، بلکه از نظر عملی نیز قابل اجرا می‌باشند، مشروط بر اینکه با شناخت دقیق از موانع موجود و طراحی راهکارهای عملیاتی همراه باشند.

نخستین و شاید مهم‌ترین این فرصت‌ها، تصویب لایحه جرائم بین‌المللی است. لایحه «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» که از سال ۱۳۹۲ در دست بررسی است، می‌تواند چارچوبی جامع، شفاف و ساختاریافته برای اعمال صلاحیت جهانی در ایران فراهم کند. این لایحه که شامل ۶ فصل و ۱۵۱ ماده است، به‌طور دقیق به مسائلی مانند صلاحیت قضایی دادگاه‌های ایرانی در رسیدگی به جرائم بین‌المللی، آیین دادرسی مخصوص این جرائم، و نحوه همکاری با نهادهای بین‌المللی می‌پردازد (بهرامی، ۱۳۸۵: ۷۵). برای اجرای این فرصت، لازم است این لایحه هرچه سریع‌تر در مجلس شورای

اسلامی تصویب شود و پس از آن، آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق و هماهنگ با کنوانسیون‌های بین‌المللی مصوب تدوین گردد. اما موانع اصلی در این مسیر، مقاومت‌های سیاسی ناشی از نگرانی‌هایی درباره امکان مداخله خارجی در امور داخلی کشور و همچنین کمبود بودجه و منابع لازم برای اجرای اصلاحات قضایی گسترده است.

فرصت دوم، انضمام ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی کلیدی است. پیوستن به معاهداتی مانند کنوانسیون منع شکنجه و موارد دیگر (۱۹۸۴) یا پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ژنو می‌تواند دامنه صلاحیت جهانی در ایران را به‌طور قابل توجهی گسترش دهد و زمینه را برای همکاری‌های قضایی بین‌المللی فراهم کند. برای اجرای این فرصت، باید مذاکرات دیپلماتیک فعالی با کشورهای عضو این کنوانسیون‌ها و نهادهای بین‌المللی صورت گیرد تا موانع سیاسی و حقوقی موجود برطرف شوند و سپس این معاهدات در مجلس تصویب گردند. اما موانع عمده در این مسیر شامل ملاحظات سیاسی داخلی و نگرانی‌هایی است که متعهد شدن به این معاهدات ممکن است با قوانین داخلی ایران به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مجازات‌های اسلامی یا امنیت ملی تعارض ایجاد کند.

فرصت سوم، آموزش حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری به قضات و کارکنان قضایی است. توسعه برنامه‌های آموزشی تخصصی برای قضات، دادستان‌ها و کارشناسان حقوقی ایرانی در زمینه جرائم بین‌المللی می‌تواند ظرفیت عملی نظام قضایی کشور را برای اعمال صحیح و مؤثر صلاحیت جهانی تقویت کند. برای اجرای این فرصت، می‌توان با همکاری دانشگاه‌های معتبر داخلی و نهادهای بین‌المللی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) یا دانشگاه‌های اروپایی، کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های تخصصی و سمینارهای حقوقی برگزار کرد. اما موانع اصلی در این زمینه، کمبود منابع مالی برای تأمین هزینه‌های آموزشی و همچنین مقاومت فرهنگی یا ایدئولوژیک برخی از بازیگران قضایی در پذیرش مفاهیم حقوق بشری بین‌المللی است که گاهی با تعبیرات سیاسی یا مذهبی متضاد تلقی می‌شوند.

فرصت چهارم، تشکیل واحدهای تخصصی قضایی برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی است. ایجاد شعب یا دادگاه‌های ویژه در قوه قضاییه که متشکل از قضات و کارشناسان آموزش‌دیده در حقوق بین‌الملل کیفری باشند، می‌تواند کارایی، دقت و سرعت رسیدگی به این جرائم را به‌طور چشمگیری افزایش دهد و از تصمیمات نادرست یا غیرتخصصی جلوگیری کند. برای اجرای این ایده، لازم است بودجه اختصاصی از سوی دولت یا قوه قضاییه برای تأسیس این واحدها تخصیص یابد و کارشناسان مجرب در حقوق بین‌الملل استخدام یا آموزش داده شوند. اما موانع عمده در این مسیر، پیچیدگی‌های بوروکراتیک در ساختارهای قضایی ایران و نیاز به هماهنگی گسترده بین نهادهای مختلف قضایی و اجرایی است که گاهی فرآیندها را به تأخیر می‌اندازد یا حتی متوقف می‌کند.

و در نهایت، فرصت پنجم، تقویت همکاری بین‌المللی در حوزه قضایی است. توسعه مکانیزم‌های همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند اینترپل، دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) یا حتی کشورهای عضو شورای اروپا می‌تواند به تبادل اطلاعات، استرداد متهمان و جمع‌آوری شواهد در جرائم بین‌المللی کمک شایانی کند. برای اجرای این فرصت، می‌توان توافق‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه در زمینه همکاری قضایی متقابل منعقد کرد و مکانیزم‌های اجرایی آن‌ها را در ساختارهای داخلی ادغام نمود. اما موانع اصلی در این زمینه، محدودیت‌های سیاسی ناشی از روابط دیپلماتیک پیچیده ایران با برخی کشورها و همچنین تحریم‌های بین‌المللی است که مانع از برقراری همکاری‌های مؤثر و شفاف می‌شوند.

در مجموع، این پنج فرصت اگر با برنامه‌ریزی دقیق، تعهد سیاسی و تخصیص منابع کافی همراه شوند می‌توانند تحولی اساسی در نحوه برخورد ایران با جرائم بین‌المللی ایجاد کنند و کشور را از حاشیه‌نشینی در عرصه عدالت بین‌المللی به سمت نقش‌آفرینی فعال و مسئولانه سوق دهند. البته، موفقیت در این مسیر مستلزم غلبه بر موانع ساختاری، سیاسی و فرهنگی است و نیازمند نگاهی بلندمدت، فراتر از محاسبات کوتاه‌مدت سیاسی یا امنیتی می‌باشد. همسویی با استانداردهای بین‌المللی نه تنها به معنای تسلیم در برابر فشارهای خارجی نیست، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت حاکمیت ملی، ارتقای جایگاه بین‌المللی ایران و تضمین عدالت برای قربانیان جرائم سنگین بین‌المللی عمل کند.

صلاحیت جهانی، به عنوان یکی از اصول پیشرفته و ضروری حقوق کیفری بین‌المللی، در پاسخ به نیاز جامعه جهانی برای مقابله با جرائمی که ماهیتاً فرامرزی و ضد انسانی هستند از جمله نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و شکنجه شکل گرفته است. این اصل، با نفی مصونیت مجرمان جنایات بین‌المللی و تأکید بر مسئولیت جمعی جامعه بین‌المللی، به دنبال تحقق عدالت جهانی و جلوگیری از فرار از مجازات است. با این حال، نحوه اعمال و گستره پذیرش این اصل در نظام‌های حقوقی مختلف، به‌ویژه در مقایسه بین نظام حقوقی ایران و نظام حاکم بر کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تفاوت‌های بنیادین و چالش‌برانگیزی دارد که نشان‌دهنده تأثیر عوامل حقوقی، سیاسی و فرهنگی در شکل‌گیری رویکردهای ملی به این مفهوم است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیوان اروپایی حقوق بشر که در عمل از طریق دادگاه‌های ملی کشورهای عضو شورای اروپا این اصل را اجرا می‌کند با تکیه بر چارچوبی منسجم، الزام‌آور و مبتنی بر کنوانسیون‌های بین‌المللی و عرف حقوقی، توانسته است صلاحیت جهانی را به صورت "مشروط" و با رعایت موازنه بین حاکمیت ملی و تعهدات حقوق بشری، به‌طور مؤثری به کار گیرد. شرایطی مانند حضور متهم در قلمرو کشور عضو، عدم صلاحیت دادگاه‌های دیگر، و الزام به انجام اقدامات داخلی پیش از محاکمه، این اصل را از سوءاستفاده سیاسی و تجاوز به حاکمیت ملی دور نگه داشته و همزمان، امکان رسیدگی به جرائم خطر را فراهم کرده است. پرونده‌هایی مانند محاکمه هنریکوس لوکسن در بلژیک و رویه قضایی دیوان در پرونده‌هایی مانند اوکالان علیه ترکیه، نشان‌دهنده کارایی این سازوکار در تقویت پاسخگویی و حفاظت از حقوق بشر است.

در مقابل، نظام حقوقی ایران، با وجود پذیرش اولیه این اصل در قوانین مصوب به‌ویژه ماده ۹ قانون مجازات اسلامی با موانع ساختاری و فرهنگی عمیقی روبروست که اجرای گسترده و مؤثر صلاحیت جهانی را محدود کرده است. الزام حضور متهم در خاک ایران، عدم پذیرش عرف بین‌المللی به عنوان منبع حقوقی، فقدان چارچوب قانونی جامع (مانند عدم تصویب لایحه جرائم بین‌المللی پس از بیش از یک دهه)، و ملاحظات سیاسی مبتنی بر حفظ حاکمیت ملی و استقلال قضایی، از جمله موانع اصلی هستند که ایران را از همگامی با استانداردهای بین‌المللی بازداشته‌اند. این محدودیت‌ها نه تنها امکان تعقیب مجرمان جرائم بین‌المللی را کاهش می‌دهند، بلکه می‌توانند ایران را به عنوان پناهگاه امن برای فراریان جنایی معرفی کنند مسئله‌ای که در تضاد با تعهدات اخلاقی و حقوقی جامعه بین‌المللی قرار دارد.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که تفاوت‌های موجود تنها حقوقی نیست، بلکه ریشه در ساختارهای سیاسی و فرهنگی دو نظام دارد: در حالی که اروپا با تکیه بر همگرایی حقوقی، تعهد به ارزش‌های جهانی حقوق بشر و همکاری بین‌المللی، صلاحیت جهانی را به ابزاری برای تحقق عدالت تبدیل کرده است، ایران با تأکید بر حاکمیت مطلق ملی، احتیاط در پذیرش تعهدات بین‌المللی و اولویت‌دهی به منابع حقوقی داخلی، این اصل را در چارچوبی بسیار محدود و محافظه‌کارانه قرار داده است.

با این حال، فرصت‌های معناداری برای توسعه و تقویت صلاحیت جهانی در ایران وجود دارد. تصویب لایحه جرائم بین‌المللی، انضمام به کنوانسیون‌های کلیدی بین‌المللی، آموزش تخصصی قضات در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری، تشکیل واحدهای قضایی تخصصی، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، می‌توانند گام‌هایی اساسی در جهت همسویی ایران با استانداردهای جهانی باشند. این اقدامات نه تنها به تقویت موقعیت بین‌المللی ایران کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به عنوان ابزاری برای تضمین عدالت برای قربانیان جرائم بین‌المللی و تقویت حاکمیت ملی از طریق پذیرش مسئولیت‌های جهانی عمل کنند نه به معنای تسلیم در برابر فشارهای خارجی، بلکه به مفهوم هوشمندی حقوقی و اخلاقی در عرصه جهانی.

در نهایت، صلاحیت جهانی نه یک امتیاز، بلکه یک تعهد اخلاقی و حقوقی است. در جهانی که جرائم بین‌المللی روزافزون‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند، هیچ کشوری حتی با استناد به حاکمیت ملی نمی‌تواند از مسئولیت خود در قبال جامعه جهانی و کرامت انسانی رویگردانی کند. ارتقای این اصل در ایران نیازمند نگاهی بلندمدت، فراتر از محاسبات کوتاه‌مدت سیاسی یا امنیتی است. پذیرش و توسعه صلاحیت جهانی نه تنها نشانه تعهد به حقوق بشر است، بلکه نمادی از قدرت یک نظام حقوقی است که قادر به تعامل هوشمندانه و مسئولانه با جهان است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- بهرامی، بهرام. (۱۳۸۵). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات علمی کاربردی، چاپ نهم.
- خالقی، علی. (۱۳۹۵). جستارهایی از حقوق جزای بین الملل. تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ پنجم.
- رستمی، سینا. (۱۳۹۸). «بررسی حدود اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران». فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۹، صص ۱۵۶-۱۳۷.
- شریعت باقری، محمد جواد. (۱۳۹۷). حقوق کیفری بین المللی. تهران: انتشارات جنگل، چاپ پانزدهم.
- فروغی، فضل الله. (۱۳۸۸). «منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی». مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۶۹.
- قمری، اسماعیل؛ قمری، هدی. (۱۴۰۲). «مشروعیت اعمال اصل صلاحیت جهانی به عنوان یکی از اصول صلاحیت کیفری فراسرزمینی». نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۲۵۴-۲۶۵.
- کسسه، حسین. (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین المللی. ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند، و زهرا موسوی. تهران: انتشارات جنگل.
- مومنی، مهدی. (۱۳۸۸). مبانی حقوق جزای بین الملل ایران. تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ چهارم.
- میرجعفری، سیدحسین؛ زرنشان، شهرام؛ رحمتی فر، سمانه. (۱۴۰۲). «صلاحیت جهانی دادگاه های ایران در حقوق بین المللی کیفری». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۲، صص ۱۶۵۳-۱۶۷۵.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۰). جرایم علیه اشخاص. تهران: انتشارات میزان، چاپ هشتم.

منابع انگلیسی

- Arendt, Hannah. (2006). Eichmann in Jerusalem: A Report on the Banality of Evil. New York: Penguin Classics, pp. 245-270.

- Bassiouni, M. Cherif. (1999). *International Criminal Law: Volume 1: Crimes*. New York: Transnational Publishers, pp. 234-235.
- Cryer, Robert. (2023). *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*. 5th ed. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 78-82.
- Geneuss, Andreas. (2009). "Universal Jurisdiction: A Comparative Study of the European and American Approaches." *Journal of International Law*, Vol. 43, No. 4, pp. 945-970.
- Luban, David. (2010). "Fairness to Rightness: Jurisdiction, Legality, and the Legitimacy of International Criminal Law." *Georgetown Law Faculty Publications and Other Works*, pp. 570-595.
- Luban, David. (2018). "The Enemy of All Humanity." *Netherlands Journal of Legal Philosophy*, Vol. 47, No. 1, pp. 45-68.
- Orakhelashvili, Alexander. (2022). *Akehurst's Modern Introduction to International Law*. 9th ed. London: Routledge, pp. 47-52.
- Princeton Principles on Universal Jurisdiction. (2001). Princeton University Press.
- Randall, Kenneth. (2000). "Universal Jurisdiction: A Comparative Study of the European and American Approaches." *International Law Review*, Vol. 12, No. 2, pp. 2-25.
- Reydam, Luc. (2020). *Universal Jurisdiction: International and Municipal Legal Perspectives*. Oxford: Oxford University Press, pp. 15-30.
- Rubin, Alan. (2000). "The Politics of Universal Jurisdiction." *Harvard International Law Journal*, Vol. 41, No. 3, pp. 265-290.
- Schabas, William A. (2023). *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*. 3rd ed. Oxford: Oxford University Press, pp. 134-145.
- Shaw, Malcolm N. (2021). *International Law*. 9th ed. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 89-100.
- Teitel, Ruti G. (2011). *Humanity's Law*. Oxford: Oxford University Press, pp. 89-110.